

فرصت‌ها و چالش‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

علی امیدی

(عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان)

چکیده

"سازمان همکاری شانگهای" در طول ده ساله که از تشکیل آن می‌گذرد، دچار تحولات فراوان شده است. اهداف آغازین این سازمان به مرور زمان متحول شده‌اند و هر یک از اعضای این سازمان هم به نوبه خود، تفسیر و برداشت متفاوتی از این اهداف داشته است. برخی از اهداف اولیه سازمان مانند مبارزه با شورش‌های داخلی، موادمخدر، تجزیه طلبی و بنیادگرایی تا حدودی محقق شده‌اند. هر چند این سازمان با اهداف سیاسی تشکیل شده است، ولی توافقات صورت گرفته طی سال‌های ۲۰۰۳ تا کنون (۲۰۰۷) تسری کارکردی این نهاد را از امور سیاسی به امور اقتصادی نشان می‌دهد. با این حال، سازمان همکاری شانگهای فاقد راهبرد تجاری درازمدت است و اقدامات صورت گرفته در زمینه همکاری تجاری با توجه به اهداف اعلامی، اندازه جغرافیایی و جمعیت آن فاصله دارد. مهم‌ترین مزیت نسبی کشورهای سازمان همکاری شانگهای تولید و مصرف انرژی و ترانزیت کالا و انرژی است که همه اعضا اعم از دائم و ناظر از آن منتفع می‌شوند. از جهت اقتصادی، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک ایران را تا حدودی بالفعل کرده و عمق سیاسی و اقتصادی ایران را در روابط بین‌الملل تعمیق می‌بخشد. عضویت دائم در شانگهای رفتار سیاسی و اقتصادی کشورهای چین و روسیه را نسبت به ایران بواسطه الزامات نهادی قابل پیش‌بینی می‌سازد. البته، سیاست تجاری نگاه به شرق همچون گرایش به سازمان همکاری شانگهای، نباید به منزله جایگزینی برای برقراری روابط مناسب با کشورهای غربی محسوب شود. این سیاست تنها می‌تواند به صورت مکملی برای روابط خارجی ایران اعم از سیاسی و تجاری و راهکاری برای تعدیل روابط موجود بین ایران و غرب محسوب گردد؛ در این صورت قدرت چانه زنی ایران بیشتر شده و امکانات تصمیم‌گیری برای کشور متنوع‌تر می‌شود. پژوهش حاضر فرصت‌ها و چالش‌های تجاری که از عضویت ایران

در سازمان همکاری شانگهای حاصل می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سازمان همکاری شانگهای، تجارت، ترانزیت، انرژی

۱- مقدمه

به طور قطع می‌توان گفت ایران در یکی از مناطق استراتژیک سیاسی - اقتصادی جهان واقع است. ایران از مزیت ژئوپلیتیکی منحصر بفردی بهره می‌برد. ایران عضوی از مجموعه کشورهای خاورمیانه است و در عین حال بخشی از زیر مجموعه آسیای جنوب غربی و بعلاوه عضوی از گروه کشورهای خلیج فارس و دریای خزر و افزون بر این در بخش آسیای مرکزی بزرگ که تعریف جدیدی از همان منطقه خراسان بزرگ تاریخی است جای می‌گیرد. تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی ایران تنها از مزیت‌های خود در خلیج فارس و خاورمیانه استفاده می‌نمود. در فردای دسامبر ۱۹۹۱ و بدنبال فروپاشی شوروی، به یکباره فرصت‌های متعددی در شرق، شمال شرق و شمال غرب کشور بر روی ایران گشوده شد. ده کشور جدید در قفقاز، آسیای مرکزی و کناره خزر به یکباره به ایران موقعیت جدیدی در همکاری‌های خود با کشورهای همسایه اش بخشیدند و نگرانی‌های امنیتی ایران ناشی از همسایگی با یکی از ابرقدرت‌های جهان را کاملاً منتفی نمودند. سیاست خارجی ایران که تا قبل از فروپاشی شوروی، درجه دوم اهمیت را به مرزهای شمالی خود داده بود و بیشتر متوجه مرزهای جنوب و جنوب غربی شده بود، از این پس توجه بیشتری به مرزهای شمال و مسائل مربوط به آن داشته است.

نخستین باری که جمهوری اسلامی ایران علاقه خود را به مشارکت در یک سازمان منطقه‌ای ابراز داشت، عضویت در "سازمان همکاری اقتصادی" (اگو) بود. اما این سازمان به دلایلی چون دخالت‌های فرامنطقه‌ای و عدم وجود اراده سیاسی قوی بین اعضا برای همکاری در

(بخصوص در سال‌های قبل از ۱۹۴۹ که لشکریان کمونیست وارد منطقه شدند) را تجربه کرده‌اند. (۱۴) جدایی طلبان این استان اساساً خواستار بدست آوردن یک خود مختاری در چین بوده و در بهترین شکل در پی استقلال کاملی شبیه ترک‌های آسیای مرکزی در آن طرف مرز می‌باشند. گروه‌های لیبرال اویغوری که در آسیای مرکزی، ترکیه و غرب زندگی می‌کنند، در هماهنگی کامل با جنبش استقلال خواهی تبت قرار دارند. در این منطقه ۳۰۰ هزار قزاق زندگی می‌کنند و در عوض قزاقستان نیز دارای بیشترین جمعیت اویغوری است. (۱۵)

مورد دیگر جدایی طلبی در چین در سرزمین تایوان نمایان است. در حالیکه بعضی از کشورها مانند آمریکا همواره از استقلال تایوان رسمی و غیررسمی حمایت کرده و به عنوان اهرم فشاری بر چین از آن استفاده می‌کنند؛ چین همواره ابراز داشته که تایوان بخشی جدایی ناپذیری از چین و یکی از استان‌های آن محسوب می‌شود. عضویت در سازمان شانگهای این فرصت را برای چین فراهم ساخته است تا در این زمینه حامیان منطقه‌ای نیز پیدا کند. شاهد این امر بیانیه‌های سازمان است که همواره تایوان را بخشی جدایی ناپذیر چین دانسته و با پوشش تایوان توسط سپر دفاع موشکی آمریکا مخالفت کرده است. در حقیقت این امر یک بده بستان بین چین و کشورهای دیگر عضو سازمان شانگهای است؛ چرا که در مقابل، چین نیز مخالفت خود را با جدایی طلبی در چین و دیگر سرزمین‌های آسیای مرکزی ابراز داشته است. (۱۶)

مساله قاچاق مواد مخدر، هر چند که در تمامی بیانیه‌های اجلاس سران شانگهای ذکر شده است، به نظر نمی‌رسد که برای کشورهای عضو موضوع فوق العاده مهمی باشد.

۳-۵- کسب بازار مناسب برای فروش تولیدات صنعتی و خرید انرژی ارزان و باثبات

اقتصاد چین برای چندین سال متوالی است که از رشد بالا برخوردار است. تداوم این وضعیت از یک سو نیازمند بازارهای تازه و از سوی دیگر محتاج دستیابی به منابع مطمئن و ارزان انرژی است. در منطقه آسیای مرکزی چند کشور وجود دارد که دارای منابع غنی نفت و گاز می‌باشند؛ از جمله ترکمنستان و قزاقستان که دارای منابع فراوان گاز می‌باشند. داشتن منابع قابل اعتماد انرژی برای چین یک مساله کاملاً استراتژیک می‌باشد. چین از دهه ۱۹۸۰ با اولویت دادن به همکاری‌های اقتصادی خود با جمهوری‌های مستقل، فراز جدیدی در روابط خود با این کشورها را گشود. این کشور کوشید تا حجم مبادلات بازرگانی خود را با ۵ کشور این منطقه، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ چندین برابر کرده، بطوریکه در سال ۲۰۰۵، حجم مبادلات تجاری دوجانبه میان چین و پنج کشور دیگر عضو سازمان، تقریباً به ۳۸ میلیارد دلار رسید که بیش از ۲۲ کل مبادلات سازمان است. البته مهم‌ترین شریک تجاری چین در سازمان شانگهای، روسیه است. (۱۷)

مبادلات تجاری روسیه با دیگر کشورهای عضو از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسید. این در حالی است که کشورهای متقاضی عضویت در سازمان شانگهای مانند ایران نیز شریک تجاری مطمئنی برای چین و روسیه محسوب می‌شوند. (۱۸)

اهمیت بازار آسیای مرکزی برای چین وقتی روشنتر می‌شود که بدانیم حجم تجارت خارجی این منطقه در سال ۲۰۰۶ حدود ۳۵۰ میلیارد دلار بوده است که از این میزان سهم چین ۸۱ میلیارد دلار است. از ماه مه ۲۰۰۰، کنگره

آمریکا اعطای موقعیت دائمی بازرگانی را به چین تصویب نمود و مناسبات این دو کشور بهبود یافت. این امر آسیب‌پذیری اقتصاد چین و وابستگی آن را به اقتصاد آمریکا نشان می‌دهد. چین برای رهایی از این وضعیت، همواره در جست و جوی موقعیت‌ها و بازارهای جدید است. (۱۹)

از سوی دیگر، با توجه به تفاوت تکنولوژیک روسیه و دنیای غرب و همینطور سابقه تاریخی، سازمان‌های بازار مناسبی برای اقتصاد رو به رشد روسیه محسوب می‌شود.

۳-۶- تحکیم پایه‌های حکومت

می‌توان گفت که اکثر جمهوری‌های تازه استقلال یافته از شوروی سابق، به گونه‌ای با ضعف و تزلزل سیاسی مواجه هستند. موج انقلاب‌های رنگی که با حمایت غرب در کشورهای حوزه دریای سیاه، قفقاز و آسیای مرکزی به راه افتاد اکثر جمهوری‌های آسیای مرکزی را تهدید می‌کند. (۲۰)

سازمان همکاری شانگهای قالبی است که توسط آن حاکمیت‌های متزلزل سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی از مشروعیت بیشتری برخوردار می‌شوند.

۴- راهبرد تجاری در سازمان همکاری شانگهای

مساحت کشورهای عضو این سازمان به بیش از ۳۰ میلیون کیلومتر مربع یعنی حدود سه پنجم مساحت اوراسیا (اروپا- آسیا) و تعداد ساکنان آن به یک میلیارد و ۴۸۹ میلیون نفر یعنی حدود یک چهارم کل جمعیت جهان را شامل می‌شود. اگر اعضای ناظر نیز به عضویت دائم این اجلاس در آیند، جمعیت کشورهای عضو که اکنون ۲۵ درصد جمعیت جهان است، به بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان خواهد رسید. ایده همکاری اقتصادی و تلاش در راستای تسهیل امور تجاری تقریباً در دهه ۱۹۹۰ در چارچوب گروه پنج شکل گرفت اما با آغاز به کار سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱ و تأسیس دبیرخانه شانگهای، این تلاش‌ها رواج پیدا کرد؛ در این سال اعضای سازمان، تفاهم‌نامه همکاری اقتصادی منطقه‌ای امضاء نمودند که به دنبال آن در سال ۲۰۰۳ طرح توسعه چندجانبه تجاری تحت عنوان " موافقتنامه چارچوب" پذیرفته شد. (۲۱) جزئیات این طرح و ۱۲۷ پروژ منطقه‌ای دیگر بعداً در اجلاس سال ۲۰۰۴ تاشکند مشخص شد. از میان این ۱۲۷ پروژه ۱۹ پروژه مربوط به همکاری در زمینه انرژی، ۲۰ پروژه مربوط به همکاری در زمینه حمل و نقل و یک سوم آن‌ها مربوط به همکاری در زمینه‌های آموزشی، علمی و فناوری بود. در همان سال (۲۰۰۴) چین ۹۰۰ میلیون دلار وام بلاعوض به صادرات کشورهای آسیای مرکزی اختصاص داد تا این طرح را راه‌اندازی نمایند. سرانجام این طرح در اجلاس سران دولت در پاییز ۲۰۰۰ در مسکو به نتیجه رسید و همکاری بین بانکی، تسهیل معاملات جاری و دسترسی بازرگانان کشورهای عضو به بانک‌ها عملی شده و بستر سرمایه‌گذاری خارجی را هموار می‌نماید. شورای تجاری نیز زمینه مذاکره میان بزرگ‌ترین شرکت‌های تجاری منطقه را که از دیدگاه بازرگانان مانع اصلی سرمایه‌گذاری‌های بیشتر به شمار می‌روند فراهم می‌نماید. (۲۲) در سال ۲۰۰۵، حجم مبادلات تجاری دوجانبه میان چین و پنج کشور دیگر عضو سازمان، تقریباً به ۳۸ میلیارد دلار رسید که بیش از ۲۲ درصد کل مبادلات سازمان است. مبادلات تجاری روسیه با دیگر کشورهای عضو از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به بیش از ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسید. (۲۳)

به رغم اینکه نخست وزیر چین در اجلاس ۲۰۰۳ خواستار تشکیل

در کشورها را کاهش می‌دهد چون امکان تلافی شریک آن‌ها در حوزه دیگر وجود دارد. ثالثاً، قواعد و نهادها می‌توانند اطلاعات شرکت کنندگان در فرآیند همکاری را ارتقا بخشد، که این نیز به نوبه خود نظارت بر اعمال و رفتار کشورها را امکان‌پذیر می‌سازد. رابعاً، نهادها قادرند هزینه‌های معامله را کاهش دهند. وقتی نهادها کارکردهایی را که ذکر شد ایفا کنند، کشورها می‌توانند تلاش کمتری برای مذاکره در مورد همکاری و نظارت بر توافقات صورت دهند. با افزایش کارایی همکاری بین‌المللی و سودمندی نهادها، گرایش کشورها به همکاری در چارچوب نهادها بیشتر می‌شود. بنابراین عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای هزینه‌های عهد شکنی قدرت‌های بزرگ (در اینجا روسیه و چین) را نسبت به منافع ملی ایران اعم از تجاری و سیاسی افزایش می‌دهد و آن‌ها طبق الزامات نهادی وادار به همکاری بیشتر با ایران می‌گردند.^(۶)

۳- اهداف اساسی بانیان سازمان همکاری شانگهای

اساساً فلسفه ایجاد "سازمان همکاری شانگهای" بیشتر سیاسی و امنیتی بوده است و اهداف تجاری در اولویت‌های بعدی سازمان قرار دارد. مهم‌ترین اهداف بنیانگذاران "سازمان همکاری شانگهای" که بیشتر صبغه سیاسی و امنیتی دارد را می‌توان به صورت زیر تحلیل کرد:

۳-۱- تلاش برای ایجاد جهانی چند قطبی

در این چارچوب روسیه و چین تلاش دارند تا با تجمیع قدرت یکدیگر، موقعیت چانه‌زنی خود را در مسائل بین‌المللی در برابر آمریکا تقویت نمایند. همگرایی راهبردی روسیه و چین، سیاستی است که این دو کشور از دهه ۱۹۹۰ برای تعدیل قدرت هژمونیک آمریکا، جلوگیری از تک قطبی شدن یا تک قطبی ماندن نظام بین‌الملل و ایجاد توازن اتخاذ نموده‌اند. پیمان راهبردی بیست ساله چین و روسیه در همین راستا قابل ارزیابی است. مانور مشترک این دو کشور تحت عنوان "مأموریت صلح ۲۰۰۵" که در دو مرحله در خاک روسیه و چین برگزار شد، تلاش مشترک این دو کشور را برای جلوگیری از یکجانبه‌گرایی بین‌المللی به خوبی نمایان می‌سازد.^(۷) به دنبال خاتمه جنگ سرد و فروپاشی شوروی، چین منطقه آسیای مرکزی را برای خود خالی از تهدید استراتژیک دیده و فارغ از دغدغه‌های امنیتی سابق، تلاش مشترکی را به همراه روسیه برای مقابله با وادادگی در مقابل آمریکا آغاز نموده است. هرچند آمریکا، روسیه و چین در قبال مبارزه با تروریسم مواضع مشترکی دارند اما دو کشور اخیر، نسبت به نوع عملکرد آمریکا در منطقه نارضایتی داشته و فکر می‌کنند تشدید این روند کمکی به صلح و ثبات در منطقه نمی‌کند و در مرحله بعدی ممکن است دامنگیر خود چین و روسیه شود. سخنرانی دیک چینی معاون رئیس‌جمهور آمریکا در لیتوانی که چین را در مسائل مربوط به حقوق بشر محکوم کرد و پوتین را صراحتاً به اتخاذ شیوه‌های استبدادی در حکومت داری محکوم نمود، بخشی از تعارضات بین قدرت‌های بزرگ را هویدا می‌سازد.^(۸)

۳-۲- تلاش برای کاهش مؤثر نفوذ نظامی غرب و به ویژه آمریکا در آسیای مرکزی

بر اساس دکترین جدید نظامی روسیه، نفوذ و دخالت آمریکا در این منطقه، تهدیدی استراتژیک برای روسیه محسوب می‌شود.^(۹) مقامات روسی در حالیکه به نکات مثبت حضور آمریکا جهت مقابله با تروریسم در

منطقه اشاره می‌کنند، بیان می‌دارند که این حضور صرفاً بایست موقتی بوده و نیروهای این کشور از این منطقه خارج شوند.^(۱۰)

آمریکا با توجه به خلاء قدرت در منطقه پس از فروپاشی شوروی، با تغییر سیاست راهبردی "مهار" شوروی به سیاست "خلع ید" روسیه نوین، تلاش نموده است تا حد اکثر نفوذ را در این منطقه اعمال نماید. رهبران آمریکا در طول دهه ۱۹۹۰، به علت ضعف ساختار سیاسی روسیه، راهبرد عقب‌راندن مسکو از منطقه و حضور همه‌جانبه خود را در آسیای مرکزی و قفقاز در پیش گرفتند. این حضور به همراه ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه، نه تنها برای روسیه بلکه برای قدرت دیگر منطقه یعنی چین نیز بسیار حساس و خطرناک بود.^(۱۱) از این رو "سازمان همکاری شانگهای" خواستار جدول زمانی برای خروج همه نظامیان خارجی حاضر در منطقه شد. ازبکستان نیز از ایالات متحده خواست تا کلیه تسهیلات نظامی خود را از پایگاه نزدیک به پایتخت این کشور خارج سازد.^(۱۲)

۳-۳- مقابله با گسترش ناتو به شرق

ناتو یکی از نهادهای امنیتی غرب بود که تصور می‌شد با اضمحلال خواهر خوانده‌اش ورشو، به نقطه نهایی فعالیتی خود رسیده باشد؛ ولی علی‌رغم افول کمونیزم، این نهاد همچنان به فعالیت خود ادامه داد. در سال ۱۹۹۹ با پذیرش کشورهای لهستان، جمهوری چک و مجارستان، بحث گسترش ناتو عملاً به واقعیت پیوست. کشورهایی چون ازبکستان و اکراین نیز در مقاطعی همکاری‌های نزدیکی با این نهاد داشته‌اند. این امر باعث ایجاد نگرانی در بین مقامات پکن و مسکو شده بود. سازمان همکاری شانگهای قالبی بود که می‌توانست به این نگرانی و جاهت و مشروعیت بخشد. نفوذ ناتو در مناطق شرقی چین، از هر جهت برای این کشور زیانبار است. از جهت نظامی می‌تواند تهدیدی بالقوه برای امنیت جمهوری خلق چین محسوب شود. از جهت اقتصادی نیز می‌تواند منافع بسیاری را از چنگ چین درآورد. به اعتقاد دسته‌ای از تحلیلگران، به دنبال افول کمونیزم شوروی، فعالیت ناتو نیازمند یک توجه ارزشی تازه بود. مسئولان ناتو بزودی این توجیه و بهانه ارزشی را پیدا کرده و آنرا در قالب توسعه و رشد دموکراسی و نظام سرمایه‌داری غیر دولتی مطرح کردند.^(۱۳) در این صورت ناتو می‌تواند تهدیدی برای چین و روسیه محسوب گردد که فاقد استانداردهای غرب از جهت دموکراسی و حقوق بشر هستند.

۳-۴- مبارزه با تروریسم، افراطی‌گری، جدایی طلبی و قاچاق مواد مخدر و اسلحه

بی‌ثباتی ناشی از جنگ‌های مکرر در افغانستان و منازعات داخلی در آسیای مرکزی به پدیده افراط‌گرایی انجامیده که به نوبه خود نه تنها راه دخالت خارجی را هموارتر ساخته بلکه پیشرفت و توسعه منطقه را نیز مختل کرده است. این دور باطل همچنان ادامه دارد. آشکار است که چنین وضعیتی روند سرمایه‌گذاری را سست کرده است. نیروهای خارجی همواره مایلند از تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی به نفع خود سود جویند. حدود هشت میلیون مسلمان ترک اویغوری در استان سین کیانگ واقع در غرب چین زندگی می‌کنند، منطقه‌ای که به ترکستان چین هم معروف است. آن‌ها به لحاظ زبانی کاملاً با ترک‌های آسیای مرکزی مشابهت داشته و صاحب یک فرهنگ و تمدن نوشتاری متمایز نسبت به چین هستند که به بیش از هزار سال قبل بر می‌گردد. آن‌ها همچنین دوره‌هایی از استقلال را

حمل کالاهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال - جنوب تا ۳۰ درصد نسبت به سایر مسیرهای سنتی ارزان تر است. به علاوه آنکه این کریدور تقاطع‌های متعددی با کریدورهای موجود میان کشورهای آسیای میانه و اروپا از جمله "تراسکا" و "آلتید" دارد که این تقاطع‌ها به توزیع متوازن بار در سطح منطقه کمک زیادی می‌کند. (۲۹)

از طریق کریدور شمال - جنوب کشورها می‌توانند از مزایای دسترسی به سه بازار و مرکز توزیع و حمل و نقل بار جهانی در آسیا شامل حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند، و حوزه کشورهای جنوب شرقی آسیا با جمعیتی حدود چند میلیارد نفر برخوردار شوند. کریدور شمال - جنوب برای اولین بار در سال در نشست کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در هلستینکی به عنوان شاهراه ترانزیتی شماره ۹ به تصویب رسید. توافقنامه این کریدور در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی در "سنت پترزبورگ" میان سه کشور ایران، روسیه و هند به امضا رسید. به واقع سه کشور یاد شده به عنوان مؤسسين کریدور شمال - جنوب شناخته می‌شوند، که بعدها کشورهای قزاقستان، تاجیکستان، بلاروس و عمان به عضویت این کریدور درآمده‌اند. در حال حاضر نیز کشورهای اوکراین، ارمنستان، بلغارستان، آذربایجان، ترکیه و سوریه درخواست‌های خود را برای عضویت در این کریدور ارائه داده‌اند، که نشان می‌دهد شمار کشورهای عضو کریدور شمال - جنوب به زودی به سیزده کشور خواهد رسید. این مسأله اهمیت این کریدور را نشان می‌دهد و با فعال شدن آن می‌توان به اهداف زیادی از جمله توسعه مناسبات حمل و نقل، افزایش دسترسی به بازارهای جهانی، افزایش حجم حمل و نقل کالا و مسافر، ایمنی و حفظ محیط زیست، هماهنگ سازی سیاست‌های حمل و نقل بین کشورهای عضو، تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز، تأمین شرایط برابر جهت عرضه کنندگان خدمات حمل و نقل از جانب کشورها دست یافت. (۳۰)

طرح کریدور شمال - جنوب یک فرصت استثنایی و بی نظیر اقتصادی و تجاری برای ایران می‌باشد. برای تقویت و حمل کالای ترانزیتی در اسرع زمان با هزینه کمتر و ایمنی بیشتر، تسریع در احداث خط آهن چابهار - سرخس ضروری بنظر می‌رسد. در صورت تحقق چنین امری درآمد ترانزیت ریلی کشور از رقم ۹۴۲۳۹۸ دلار فراتر و از مرز ده میلیارد دلار خواهد گذشت. (۳۱)

برخی دیگر از آثار اجرای طرح کریدور شمال - جنوب را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

۱. افزایش سرعت، تجارت و ترانزیت؛
 ۲. افزایش حجم مبادلات کالا بین هند و پاکستان و کشورهای حاشیه اقیانوس هند با کشورهای روسیه و آسیای مرکزی؛
 ۳. همکاری مناسب بنادر ایرانی با بنادر روسیه و قزاقستان، که بستر مناسبی را برای همکاری بیشتر این کشورها فراهم می‌کند، و بطور کلی کاهش تنش بین کشورهای حاشیه خزر؛
 ۴. درآمد بالغ بر یک میلیارد دلار در سال برای کشورهایی که در مسیر این رهگذر هستند؛
 ۵. کاهش وابستگی تجارت و ترانزیت کشورهای جنوبی آسیا به کانال سوئز؛
 ۶. ایجاد قطب‌های خارجی جدید تولیدی، اقتصادی و تجاری در منطقه.
- با توجه به اینکه مکانیسم اتصال بنادر شمال و جنوب دریای خزر "رورو-

ریلی" می‌باشد و اتصال بندرعباس به بنادر کویت، عربستان، امارات، عمان و هندوستان نیز از طریق کشتی‌های رو-رو میسر است. به عبارت دیگر، شهر مسکو به عنوان ترمینال مرکزی (HUB)، کالاهای اروپایی شمالی و شرقی را با استفاده از سیستم راه آهن جمع آوری نموده و پس از اتصال آن به بندری در ساحل جنوبی دریای خزر به شبکه حمل و نقل ایران پیوند خواهد داد. در صورت فعال شدن تمام حلقه‌های این زنجیره، انتقال کانتینر از بندر بمبئی به مسکو حدود یک ماه زمان نیاز دارد؛ در حالی که ترانزیت کانتینری مشابه از طریق دریای بالتیک افزایش ۲۰ درصدی هزینه حمل و نقل را در پی خواهد داشت. از طرفی در ادامه کریدور شمال - جنوب ارتباط ایران با آسیای مرکزی از طریق گذر از قلمرو ترکمنستان امکان پذیر است (این ارتباط از طریق جاده‌ها و راه آهن مشهد- سرخس- تاجن). در سال ۲۰۰۵ از طریق ایران ۴/۸ میلیون تن از کالاهای آسیای مرکزی به دیگر نقاط جهان صادر که ۵۶ درصد از کل کالای ترانزیت شده از ایران را تشکیل می‌دهد. در همین سال از آسیای مرکزی از طریق ایران ۳۱۶ هزار تن کالا به سایر کشورها ترانزیت شده است که ۴ درصد از کل حجم کالای ترانزیت شده از ایران را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین، عضویت ایران در سازمان شانگهای اتصال روسیه و چین را به خلیج فارس تسهیل می‌کند و به هر حال به شاهراه‌های عمده بین‌المللی در حوزه اوراسیای جنوبی و همچنین به یک مجموعه بزرگی از ذخایر و منابع متصل می‌کند. در مرحله دوم حضور ایران می‌تواند این سازمان را به جهان اسلام متصل کند و تأثیرات مثبت و تجربیات خودش را در حوزه تعامل با مسلمان‌ها در اختیار روسیه و چین قرار دهد. به هر حال ایران به عنوان یک کشور بزرگ منطقه‌ای و کشوری قدرتمند در خاورمیانه، مجموعه حوزه خاورمیانه را به سازمان همکاری اقتصادی شانگهای در حوزه آسیای مرکزی وصل می‌کند. (۳۲)

۳. عملیاتی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی و زمینه سازی برای ادغام اقتصادی ایران در جهان

عضویت جمهوری اسلامی ایران (هرچند به عنوان ناظر) در سازمان همکاری شانگهای، ضمن حرکت در جهت اصل ۴۴ قانون اساسی و "تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل" که در سند چشم انداز بیست ساله کشور ذکر شده است، می‌تواند برای کشور فرصت‌های مناسبی را فراهم آورد. سازمان همکاری شانگهای بر اساس اسناد منتشره و سیاست‌های اعلامی و اعمالی اعضاء بر تفاوت رژیم‌های سیاسی اعضا احترام گذاشته، و این امر برای ایران این امکان وجود دارد تا ضمن تداوم سیاست نه شرقی و نه غربی خود، در این سازمان حضور یابد.

از طرف دیگر، باید اذعان کرد که اکنون بیش از هر زمان دیگری شرایط لازم برای بسط تجارت و سازماندهی تولید در مقیاس جهانی فراهم آمده است. در چارچوب توافق‌های بین‌المللی موانع فراروی تجارت تا حدی برطرف شده و سیاست دولت‌ها در آزادسازی جریان سرمایه در سطح جهانی در مجموع به برقراری شرایطی کمک کرده که بهره‌گیری از فرصت‌های جدید را تسهیل می‌کند. اما آیا بدون تمهید کافی می‌توان از فرصت‌های جدید بهره برد و از آسیب پذیری اقتصاد کشور در شرایط جدید جهانی جلوگیری کرد؟ طبعاً پاسخ این سؤال منفی است. از این رو عضویت در سازمان منطقه‌ای مانند شانگهای چنین فرصتی را در اختیار اقتصاد ایران قرار خواهد داد. اگر قرار است که اقتصاد ایران در تعامل فعال با نظام اقتصاد بین‌الملل قرار گیرد و اگر قرار است که رشد تجارت به رشد و توسعه اقتصادی

"منطقه آزاد تجاری" در محدوده مرزهای سازمان شانگهای گردید، (۲۴) ولی متأسفانه در حال حاضر سازمان همکاری شانگهای فاقد یک راهبرد منطقه‌ای جهت همکاری در امور تجاری به مانند سازمان‌های منطقه‌ای مشابه مانند اتحادیه اروپا است. دبیر کل این سازمان در اجلاس مسکو (۲۰۰۵) اولویت‌های تجاری سازمان را در بخش استخراج و ترانزیت انرژی و پروژه‌های آبرسانی دانست. با توجه به اظهار تمایل اعضای اصلی این سازمان جهت فعال سازی آن در ابعاد اقتصادی، می‌توان فرصت‌ها و چالش‌های تجاری آن را برای ایران به شرح زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

۵- فرصت‌های تجاری عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

از جهت راهبردی، در صورت پیوستن جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای امکان چانه زنی ایران در سطح بین‌المللی و در قضایایی همچون پرونده هسته‌ای به نحو مؤثری افزایش می‌یابد، زیرا در صورت کسب این عضویت، احتمالاً کشورهای چین و روسیه تحت الزامات نهادی مجبورند از جمهوری اسلامی ایران حمایت بیشتری به عمل آورند. جمهوری اسلامی ایران با پیوستن و عضویت دائم در این سازمان بزرگ منطقه‌ای نه تنها خواهد توانست به ارتقاء و منزلت نظام بیافزاید، بلکه می‌تواند با ائتلاف و اتحاد با متحدین بزرگ منطقه‌ای، قدرت چانه زنی خود را در زمینه‌های گوناگون بالا برده و از این طریق چالش‌های منطقه‌ای و جهانی را به حداقل ممکن برساند. فوری تر شدن تهدیدات خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران، اساساً با شدت شکنندگی محیط بین‌المللی و داخلی نسبت مستقیم دارد. عضویت جمهوری اسلامی ایران در این سازمان مؤید این است که جمهوری اسلامی ایران همچنان با ابزارهای قابل قبول بین‌المللی به دنبال تحقق سیاست‌های خود می‌باشد. غیر از اهمیت سیاسی عضویت در سازمان همکاری شانگهای، این سازمان یک دسته فرصت‌ها و چالش‌های تجاری نیز برای اقتصاد ایران در پی خواهد داشت. (۲۵)

مهم‌ترین فرصت‌های تجاری که از عضویت ایران در سازمان شانگهای حاصل می‌گردد عبارتند از:

۵-۱- تقویت رویکرد تجاری به شرق

اختلافات ایران با غرب از جمله مشغولیات همیشگی ذهن تصمیم‌گیران سیاست‌های بازرگانی ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است. حتی در قبل از انقلاب نیز سیاست بازرگانی ایران بدون هرگونه تفاوت و یا در هماهنگی کامل با منافع غرب نبود. اصولاً اندازه کشور، فرهنگ و مذهب، سنت‌های تاریخی و ظرفیت‌های بالقوه ایران، سیاست خارجی ایران را به نوعی مشخص و منحصر بفرد می‌سازد که علی‌رغم تلاش تصمیم‌گیران ایرانی و غربی در پیش از انقلاب برای همگرایی کامل، این موضوع هیچگاه محقق نگردید. در پس از انقلاب، سیاست‌های استقلال‌گرایانه ایران باعث تشدید اختلافات این کشور با کشورهای غربی گردید. اما در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی این اختلافات با تدبیر دو طرف تا حدودی مدیریت شده و در سطوح سیاسی و اقتصادی باقی ماند. اما از ۲۰۰۳ با اصرار آمریکا، روابط ایران با کشورهای غربی به حالت بحرانی رسیده و از رقابت‌های سیاسی و اقتصادی به منازعات

امنیتی و نظامی رسیده است. پرونده هسته‌ای ایران باعث تشدید فشارهای غرب در محدود سازی ایران در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، عدم رسیدن به توافقات عمده مانند قرارداد همکاری و تجارت بین اتحادیه اروپایی و ایران، ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و تدوین تحریم‌های عمده فناورانه، علمی، مالی و تهدید به استفاده از تحریم‌های گسترده تر شده است. از این طرف نیز نگاه ایران به روابط خارجی خود با کشورهای غربی و بخصوص آمریکا با رجحان امور امنیتی و نظامی شکل می‌گیرد. در چنین حالتی گرایش به به کشورهای آسیایی می‌تواند به ایران این مجال را بدهد که اولاً برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت همکاری با کشورهای شرقی و شمالی خود برای روزهای سخت را در ذهن داشته باشد و ثانیاً از پتانسیل این کشورها برای مقابله با تحریم‌ها و تهدیدات استفاده نماید. اکنون استفاده از امکانات دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند به عنوان مکمل و یا بدیل‌هایی برای مجاری سنتی ارتباط ایران در خلیج فارس و از طریق ترکیه مد نظر باشد. (۲۶) در حال حاضر مبادلات ایران و روسیه چیزی در حدود ۲ میلیارد دلار است که این رقم روند افزایشی به خود می‌گیرد. (۲۷) البته سطح مبادلات ایران و چین بیشتر قابل توجه است. در سال ۱۳۸۵ ایران و چین با یکدیگر ۱۴ میلیارد دلار مبادله داشته‌اند و قرار است این رقم به ۱۸ الی ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ برسد. (۲۸)

با توجه به حجم مبادلات تجاری ایران با چین و روسیه و تقویت چنین روندی از طریق عضویت در سازمان همکاری شانگهای می‌توان در موفق شدن رویکرد تجاری به شرق امیدوار بود.

۵-۲- مزیت‌های ترانزیت کالا

کشور ایران با توجه به موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک خود از زمان‌های بسیار دور، معبری مطمئن جهت عبور و گذر کاروان‌های مختلف تجاری بوده است تا آنجا که یکی از شاخه‌های مهم مسیر جاده ابریشم محسوب می‌شده است. این موضوع علاوه بر آنکه موجب اخذ حق ترانزیت کالا و کسب درآمد برای دولت می‌شده، سبب رشد و شکوفایی شهرهای مسیر حرکت این کاروان‌ها نیز می‌گردیده است. پس از فروپاشی شوروی سابق و پیدایش کشورهای جدید بر نقشه سیاسی جهان، نقش ایران در ترانزیت کالا اهمیت زیادی پیدا کرده است؛ زیرا کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه و حوزه قفقاز می‌توانند از طریق ایران به آبهای آزاد جهان از جمله خلیج فارس و یا از طریق ترکیه به اروپا راه یابند. با توجه به اینکه ایران در مسیر کریدورهای بین‌المللی شمال - جنوب (NOSTRAK) قرار گرفته و همچنین ارتباط مستقیم با آبهای آزاد دارد می‌توان به این نتیجه رسید که کشور ایران از اولویت بالاتری در امر ترانزیت کالا و مسافر نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردار است. این کریدور ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد. این کریدور حمل و نقل که بخش مهمی از آن از خاک ایران می‌گذرد در حال حاضر کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیر ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود. کریدور یاد شده در حال حاضر از بندر بمبئی در حوزه اقیانوس هند آغاز و از طریق دریا به بندر عباس در جنوب ایران متصل می‌شود. در داخل خاک ایران کالاهای ترانزیتی از طریق حمل و نقل جاده‌ای و یا ریلی به بندر شمالی کشور انتقال یافته و از مسیر دریای خزر به بندر آستاراخان و لاگان روسیه حمل می‌شوند. هزینه

۵-۵- افزایش حجم سرمایه گذاری خارجی

یکی از مظاهر اقتصاد امروز دنیا، انتقال سهل تر سرمایه های بین المللی است. در شرایط موجود که نیاز فوق العاده زیادی برای تأمین شغل در ایران احساس می گردد، نرخ پس انداز ملی کشورمان از میزان لازم برای یک کشور در حال توسعه با ویژگی های ایران پایین تر است. از این رو، روند سرمایه گذاری در کشور جوابگوی تعداد مشاغل لازم برای جلوگیری از تشدید بیکاری نیست. در چنین شرایطی برنامه ریزی برای استفاده از سرمایه گذاری مستقیم خارجی می تواند از جهاتی کارگشا باشد. آنچه که سرمایه گذاری خارجی لازم دارد وجود بازدهی سرمایه گذاری و محیط مناسب آن است. با توجه به برآوردهای موجود در ایران بازدهی سرمایه گذاری در حد مطلوبی است اما محیط سرمایه گذاری ما مناسب برای سرمایه خارجی نبوده است. در حال حاضر در سطح بین المللی می توان گفت که محیط سرمایه گذاری از لحاظ مقررات و امکانات و رویه های مورد عمل به سوی یکسان سازی حرکت کرده است و در حال حاضر زبان واحدی در این عرصه وجود دارد. شفافیت و ثبات مقررات به همراه محدود شدن سطح دخالت ها نظیر دخالت های قیمتی در کالاهای رقابتی و نظایر آن باعث شده که فضای نسبتاً مطمئنی برای سرمایه گذاری خارجی در سطح بین المللی و در کشورهای در حال توسعه ایجاد شود. در حالی که ایران تا حدودی به دلیل عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی و مهم تر از آن عدم برخورداری از زیرساخت های قانونی ضد انحصارهای طبیعی و مصنوعی از این حیث دارای مقررات و رویه های متفاوت است و از زبان واحد فاصله دارد و لذا ورود سرمایه خارجی را به رغم بازدهی بالای سرمایه گذاری در ایران با مشکل مواجه ساخته است. بنابراین، عضویت دائم در سازمان شانگهای می تواند عاملی در شفاف سازی قوانین ناظر بر سرمایه گذاری خارجی باشد. (۳۷)

از سوی دیگر، گسترش سرمایه گذاری چینی و روسی در ایران، می تواند به رشد اقتصادی و افزایش منابع مالی کشور کمک کند (خصوصاً در شرایط فعلی که بحث تحریم های اقتصادی علیه ایران مطرح است). عدم وجود سابقه درگیری میان دو کشور ایران و چین، برآورده نمودن نیازهای تکنولوژیک و نظامی ایران از سوی چین و نیاز رو به گسترش چین به انرژی به همراه سرمایه گذاری هایی که چین در بخش نفت و گاز ایران انجام داده است، از جمله نقاط برجسته روابط دو کشور محسوب می شود. ایران برای توسعه و گسترش سرمایه گذاری ها در بخش انرژی، به طور قابل توجهی از سوی چین حمایت شده است.

بر طبق قانون ILSA۲۱ کنگره آمریکا، دولت این کشور باید تمامی سرمایه گذاران خارجی را که بیش از بیست میلیون دلار در بخش صنعت نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کنند مجازات نماید؛ (۳۸) حال آنکه طبق پیمان گاز ایران و چین، در طول مدت ۲۵ سال چیزی در حدود ۱۰ میلیون تن گاز از لوله های ایران به مخازن گاز چینی ها جاری خواهد شد. با توجه به وابستگی روبه رشد چین به منابع طبیعی خاورمیانه که به موضوع امنیت ملی این کشور تبدیل شده است، دولت بوش تلاش می کند از امضای قراردادهای انرژی دیگر میان ایران و چین جلوگیری کند، اما این تلاش ها به هیچ نتیجه ای نرسیده است. شرکت سینوپک، دومین شرکت بزرگ نفتی چین، اعلام کرده است که هیچ توجهی به تحریم های آمریکا ندارد و حداکثر تلاش خود را برای اجرای طرح های اکتشافی در

میادین نفتی ایران به کار می گیرد. (۳۹) در اواخر ماه اکتبر ۲۰۰۱، قراردادی میان سینوپک و ایران برای انتقال LNG (گاز مایع) به چین به امضا رسید. بخشی از این قرارداد یکصد میلیارد دلاری آن است که سینوپک طی ۳۰ سال، ۲۵۰ میلیون تن LNG از ایران خریداری کند و میدان نفتی یادآور آن در جنوب غرب ایران را هم توسعه دهد. قراردادهای دیگر در زمینه انرژی، به خط لوله مربوط می شود. شرکت "زوه های زینروگ"، شرکت نفت دولتی چین، برای خرید بیش از ۱۱۰ میلیون تن LNG از ایران طی یک دوره ۲۵ ساله و به ارزش ۲۰ میلیارد دلار با ایران توافق اصولی کرده است. (۴۰)

دست گذاشتن پکن بر روی منطقه ای چون ایران که تحت سیاست تحریم اقتصادی آمریکا است و مکرراً از سوی دولت های روی کار آمده در ایالات متحده بر اهمیت فوق العاده آن برای "امنیت ملی آمریکا" تاکید گشته است، بیانگر این است که چین به سیاست تحریم اقتصادی علیه ایران اهمیت نمی دهد و این امر برای دولتمردان این کشور نگران کننده است؛ زیرا این تصور پیش می آید که معامله ایران و چین دیگر کشورها از جمله ژاپن، هند و روسیه را به این فکر بیاندازد که ریسک سرمایه گذاری در ایران را به جان بخرند.

روابط رو به رشد میان ایران و چین به ویژه بعد از امضای قرارداد چشمگیر نفت و گاز در ماه اکتبر ۲۰۰۱، مورد توجه جهان قرار گرفته است. ایران اعلام کرده است که ترجیح می دهد چین را به عنوان واردکننده اول نفت ایران جایگزین ژاپن کند. ۵۰ درصد از واردات نفت خام چین از خاورمیانه تأمین می شود و این رقم تا سال ۲۰۱۵ به ۷۰ درصد می رسد. (۴۱)

قراردادهای اکتشافی برای میادین نفتی جدید، استفاده از میادین کنونی نفت و گاز، ظرفیت های حمل و نقل و افزایش سرمایه گذاری در صنایع پالایشگاهی و پتروشیمی، همگی بخش های مهمی از یک طرح اقتصادی استراتژیک میان ایران و چین است. تهران تصمیم دارد طی چند سال آینده ۵۰ میلیارد دلار در بخش انرژی خود سرمایه گذاری کند. این میزان سرمایه گذاری برای رشد اقتصادی این کشور ضروری است چون نفت ۴۰ تا ۵۰ درصد از درآمد دولت را تشکیل می دهد. ایران با ۳۲ میدان نفتی و ۹۸ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دومین تولید کننده بزرگ نفت دنیا و دارنده ۸ درصد از کل ذخایر نفتی جهان است. اما تنها با سرمایه گذاری کافی خارجی می تواند به سهمیه نزدیک به ۵ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۲۰ (۴۲) این مشکل را با عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای تا حدودی حل خواهد شد.

۵-۶- مزیت های ترانزیت انرژی (سواپ انرژی)

ایران با توجه به اینکه یکی از پنج کشور حوزه خزر می باشد، همچنین با نگاه به مرزهای دریایی که در دریای عمان و خلیج فارس دارد و نیز وضعیت مناسب مسیرهای انتقال نفت که از ایران می توانند عبور نمایند، می تواند به عنوان یک مسیر ترانزیت مؤثر و با صرفه انرژی از حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی مطرح شود. ایران به لحاظ اینکه دارای یک شبکه انتقال وسیع نفت در سرتاسر سرزمین خود است، می تواند با استفاده از آن ها جهت راههای جایگزین، خیلی زود و با سرمایه گذاری کمتری نسبت به گزینه های دیگر انتقال انرژی خزر، مسیرهایی را برای رساندن نفت و گاز خزر به بازارهای مصرف جهان تأمین کند، آن هم به

در کشور منجر شود، باید در عرصه داخلی، پیوند همه جانبه‌ای بین تجارت و کل اقتصاد صورت گیرد. البته اثربخشی اصلاحات تجاری و استفاده از منافع حاصل از آن تنها بستگی به سیاست‌های تجاری ندارد بلکه در گرو اتخاذ سیاست‌های مناسبی در حوزه‌های کلان اقتصاد از قبیل سیاست‌های معطوف به ایجاد ثبات در فضای اقتصاد کلان، مقررات تسهیل‌کننده رشد و سیاست رقابتی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، توسعه منابع انسانی، قانون محوری و رعایت اصل شایسته‌سالاری در مدیریت اقتصادی کشور می‌باشد.

در تعامل فعال با اقتصاد جهانی می‌توان در دو حوزه اصلی تجارت و سرمایه‌گذاری انتظار داشت منافعی عاید کشور شود. اما این منافع حاصل نمی‌شوند مگر اینکه اقتصاد و تولید داخلی تا حدی تقویت شده باشد که قادر به رقابت با رقبای منطقه‌ای و جهانی باشد. این امر منوط به اجرای دقیق اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی از بالاترین رکن سیاسی کشور است. اکنون اقتصاد جهانی بسیار رقابتی است. رقابت در شرایط فعلی می‌تواند پایه پیشرفت سریعی را که ما بدان نیاز داریم فراهم نماید. کسب توان رقابتی بدون حضور در شرایط رقابتی کار دشواری است. نمی‌توان بدون ایجاد شرایط رقابتی در کشور و با وجود انحصارات گوناگون و حمایت‌های دائمی و مستمر انتظار داشت توان رقابتی بالایی در اقتصاد کشور ایجاد شود. لذا باید تلاش شود به تدریج فضای رقابتی در حد آستانه تحمل‌های فعلی ایجاد شود و به صورت مرحله‌ای با افزایش توان، بر رقابتی‌تر کردن هرچه بیشتر فعالیت‌های تأکید شود. در چنین شرایطی حمایت از تولیدات داخلی باید در شکل منطقی و معقول از نظر میزان حمایت، محدود از نظر دوره زمانی و مشروط از لحاظ کاهش قیمت تمام شده و ارتقاء کیفیت و قابلیت صدور ساماندهی شود. (۳۳)

بنابراین عضویت کامل در سازمان شانگهای می‌تواند در نهضت آماده‌سازی اقتصاد کشور برای الحاق به نظام تجارت جهانی مورد توجه قرار گیرد. یکسان‌سازی بسیاری از قوانین تجاری، مقررات اقتصادی و ضوابط حمایتی در چارچوب توافق‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای آینده اقتصاد ایران بسیار حایز اهمیت است. شرایط جهانی به نحوی پیش رفته است که اساساً تکیه به توان صنعتی، تولیدی و رقابتی تنها چاره اقتصاد ایران است و این امر تحقق نمی‌یابد مگر به مدد سازماندهی برای ایجاد چنین توان صنعتی، تولیدی و رقابتی با یک برنامه مدون و روشن برای ایجاد توسعه در بنگاه‌ها و آماده ساختن آن‌ها برای حضور در یک صحنه پر رقابت. سازمان شانگهای می‌تواند مقدمه‌ای برای ادغام اقتصادی ایران در جهان و نهایتاً عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی باشد. اقتصاد کشور ایران در دهه‌های اخیر در پناه حمایت از تولیدات داخلی و نگاه به بازارهای داخلی شکل گرفته است و باید خود را به سرعت برای ایفای نقش در عرصه رقابت جهانی آماده سازد. مزیت‌های منسوخ شده باید به هر قیمتی به کنار گذاشته شده و تولید در آن‌ها ارزش محسوب نشود بلکه تعطیل آن‌ها و تبدیل به تولید رقابتی ارزش محسوب شود و دولت باید در این امر هزینه و سرمایه‌گذاری کند. از این رو عضویت ایران در سازمان شانگهای طبق الزامات نهادی دولت را مجبور به اجرای سریعتر اصل ۴۴ قانون اساسی می‌کند.

۴-۵- تشکیل باشگاه انرژی

ایران با ذخایر اثبات شده ۲۷/۵ تریلیون متر مکعب گاز (۱۵/۳ درصد از کل ذخایر جهان)، بعد از روسیه (با ۴۸ تریلیون متر مکعب برابر

۲۷ درصد از کل ذخایر جهان) مقام دوم جهان را از نظر ذخایر گاز طبیعی بخود اختصاص می‌دهد. با توجه به اهمیت گاز طبیعی و آلاینده‌گی بسیار کمتر آن نسبت به مواد و فرآورده‌های نفتی، "سوخت پاک" لقب گرفته است. در گزارش "اژانس بین‌المللی انرژی" آمده است که مصرف گاز طبیعی نسبت به نفت افزایش خواهد یافت و تا سال ۲۰۳۰ تقاضای مصرف آن دو سوم بیشتر خواهد بود. (۳۴) به همین سبب برای کشورهای تولیدکننده و صادرکننده گاز فرصت‌های مناسبی ایجاد خواهد شد تا بتوانند نسبت به بازاریابی و صدور گاز اقدام نموده و به توسعه بازارها و یافتن مشتری جدید و اعمال نفوذ بیشتر در محیط بین‌الملل اقدام نمایند. اعضای سازمان همکاری شانگهای از جمله روسیه، ایران، قزاقستان و ازبکستان می‌توانند با تشکیل یک بلوک انرژی، کنترل بیشتری بر این منبع استراتژیک اعمال نمایند. طبق ارقام موجود، تولید نفت چین در سال، ۳/۵۴ میلیون بشکه در روز بود در حالیکه میزان مصرف آن ۶/۳۹۱ بشکه در روز برآورد شده و بدین ترتیب ۲/۸ میلیون بشکه در روز کمبود دارد. هند نیز تنها ۰/۷۸ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند در حالیکه تقاضا بسیار بیشتر از آن یعنی ۲/۳۲ میلیون بشکه در روز است. به این ترتیب خلاء بزرگی میان عرضه و تقاضای نفت در این دو کشور پرجمعیت جهان وجود دارد. در پاکستان تنها بخشی از مصرف نفت کشور از تولید داخلی برطرف می‌سازد. سناریوی گاز نیز چندان رضایتبخش نبوده و ارقام موجود نشان می‌دهد که ذخایر گاز طبیعی برای مدتی طولانی ماندگار نیستند. خصوصاً هند دچار کمبود گاز طبیعی شده، و در حال بررسی واردات گاز از کشورهای خلیج فارس مانند قطر و ایران است. مذاکرات خط لوله ایران- هند- پاکستان با روند بسیار کندی در حال پیشرفت است و یکی از دلایل آن فشارهای زیاد ایالات متحده علیه چین تحولی است. (۳۵) از آنجا که چین و هندوستان دو بازار عمده صادرات انرژی محسوب می‌شوند، سازمان همکاری شانگهای بستر مناسبی برای همکاری کشورهای عضو در زمینه انرژی محسوب می‌شود.

اعلامیه "ولادیمیر پوتین" در دیدار سران ۲۰۰۶ سازمان همکاری شانگهای در مورد ایجاد باشگاه انرژی در همین راستا ارزیابی می‌شود. از نظر منابع نفتی کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای تعیین‌کننده نیستند حتی با در نظر گرفتن ایران کشور ناظر این سازمان، این شاخص بیش از ۲۰ درصد از منابع کل جهان را تشکیل نمی‌دهند. اما در مورد گاز اوضاع به گونه دیگری است: منابع گازی روسیه و کشورهای آسیای میانه بعلاوه ایران بیش از ۵۰ درصد از منابع گاز طبیعی کشف شده در جهان را تشکیل می‌دهند.

بدین ترتیب کشورهای صادرکننده نفت و گاز در سازمان همکاری‌های شانگهای مانند رقیبی در بازار مساعد چین و دیگر کشورهای در حال رشد آسیای شرقی و جنوبی نسبت به یکدیگر می‌مانند. به همین دلیل برای هماهنگی عملکرد میان آن‌ها در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای، نیاز به باشگاه انرژی که رییس جمهور روسیه آن را پیشنهاد کرد می‌باشد. تفاوت فاحش آن با اوپک در این خلاصه می‌شود که در ترکیب باشگاه نه تنها کشورهای استخراج‌کننده نفت و گاز منطقه، بلکه مصرف‌کنندگان عمده آن مانند چین، هند و پاکستان حضور خواهند داشت (دو کشور آخر فعلاً نقش ناظر را در این سازمان دارند). (۳۶)

سخت کوشی و کارگر ارزان و نهایتاً قیمت ارزان کالا، مشتریان خود را راضی نگه می‌دارند. از این رو نمی‌توان قائل به شکاف فاحش تکنولوژیک بین اعضای برجسته سازمان‌های و سایر کشورهای صنعتی بود. افزون بر این، عضویت در سازمان‌های به معنی قطع رابطه با سایر دول نیست و ایران می‌تواند دانش فنی بالا را از سایر دول کسب نماید. در مورد روس‌ها نیز باید گفت که فناوری روسیه برای دوره گذار بسیار مطلوب است، خصوصاً اینکه غربی‌ها در انتقال فناوری‌های حساس مانند فناوری هسته‌ای به کشورهای چون ایران اکراه نشان می‌دهند. (۴۷)

۳-۶- عدم توازن چانه زنی

روسیه، چین و در آینده هند به عنوان مثلث قدرت سازمان‌های شنگهای ممکن است در فرآیند تصمیم‌گیری بواسطه مزیت‌های چانه زنی خود، برابند تصمیمات تجاری را به نفع خود جهت دهند و در این میان منافع سایر اعضا تحت الشعاع منافع آن‌ها قرار گیرد. این امر اجتناب ناپذیر است، ولی گرایش نهادهای بین‌المللی به سمت تصمیمات مبتنی بر اجماع و تقویت مزیت‌های نسبی هر کشور آثار منفی نابرابری در منابع چانه زنی را می‌کاهد.

۴-۶- تعارضات تجاری

روسیه با استفاده از منابع عظیم گازی خود علاوه بر تأمین نیازهای خود از سال‌های گذشته بخش زیادی از گاز مصرفی اروپا را تأمین می‌کند به همین جهت توانسته است در راستای تعامل با اروپا به وزنه‌ای قابل توجه و تأثیر گذر تبدیل شود و با کسب درآمدهای ناشی از صدور نفت و گاز اقتصاد رو به افول خود را از نابسامانی نجات داده و در دهه اول قرن ۲۱ به باشگاه کشورهای صنعتی وارد شده و گروه ۷ را به گروه ۸ تبدیل کند. ایران در بازارهای سنتی روسیه از جمله در ترکیه، قفقاز و اروپا، با این کشور به رقابت برخاسته و منافع این کشور را با صدور گاز ارزانتر تخریب کرده و بازار آن را به خطر انداخته است. آخرین اقدام روسیه برای جلوگیری از چنین وضعیتی، احداث خط لوله گاز "بلو استریم" و افتتاح رسمی آن در سال ۲۰۰۵ بود که با انتقال گاز روسیه از بستر دریای سیاه به بندر سامسون ترکیه با کمک شرکت‌های ایتالیایی تحول شگرفی در فناوری صدور گاز بوجود آورد. (۴۸) اکنون شرکت گازپروم روسیه که انحصار تولید، توزیع و صادرات گاز روسیه را بر عهده دارد به یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های گازی جهان و به ابزاری در دست کرملین تبدیل شده است. به نظر می‌رسد که روسیه از دست‌اندازی ایران بر بازارهای صدور گاز این کشور ناراضی باشد و رقابت می‌تواند مانعی بر سر همکاری‌های نفتی و گازی دو کشور باشد و در صورت عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری‌های شنگهای، این رقابت و کدورت به درون سازمان نیز کشیده شود.

۵-۶- خطر ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی و افزایش بیکاری

گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات، گرایش به گروه‌بندی‌های اقتصادی منطقه‌ای، گرایش به نظام اقتصاد بازار و اتخاذ سیاست‌های آزادسازی تجاری، اقتصاد امروز را به یک اقتصاد جهانی مبدل کرده است. تحولات مذکور آنچنان اقتصاد کشورها را به هم مرتبط ساخته که

آثار هر پدیده چه مثبت و چه منفی به سرعت به سایر اقتصادها تسری می‌یابد؛ به طوری که امروزه سیاست‌های اقتصادی کشورها بر ممالک دیگر جهان خیلی زودتر از گذشته تأثیر می‌گذارد. ویژگی این پدیده در عصر ما کاهش هزینه‌های حمل و نقل، رفع موانع تجاری، نقل و انتقال سریع‌تر و بیشتر فناوری، سرمایه و نیروی کار و به تبع آن مهارت‌هاست. اما علی‌رغم این دست‌آوردهای مثبت، آثار منفی اقتصاد جهانی کم نیست. از میان آثار منفی این پدیده شاید بتوان به حاشیه رفتن بسیاری از کشورهای در حال توسعه و با کمترین درجه توسعه یافتگی از صحنه اقتصاد جهانی به خاطر عدم قابلیت رقابتی اشاره کرد. به این ترتیب این امر منجر به بیکاری، گسترش فقر و نابرابری‌های اقتصادی می‌گردد.

در کوتاه‌مدت، کالاهای ارزان قیمت چینی می‌تواند تهدیدی برای صنایع و تولیدات داخلی محسوب شود ولی از آنجا که در سازمان همکاری‌های شنگهای تاکنون بحثی از بازار مشترک اقتصادی مطرح نشده، به نظر می‌رسد که می‌توان در کنار استفاده از مزایای عضویت در شنگهای، از عواقب سوء این عضویت پرهیز کرد. در کوتاه‌مدت این امکان وجود دارد که اقتصاد ایران به علت ناتوانی از رقابت با اقتصاد کشورهای چون چین، روسیه و هند (در صورت عضویت دائم)، دچار لطماتی بشود؛ اما در بلندمدت این امکان برای ایران وجود دارد که با سرمایه‌گذاری بر روی مزیت‌های نسبی خود خسارات ناشی از این امر را جبران کند. با این حال، جهانی شدن اقتصاد و ادغام اقتصادی ایران در اقتصاد جهانی فرآیندی اجتناب ناپذیر است؛ حال که چنین است بهتر است به صورت آگاهانه و تدریجی باشد زیرا عضویت در شنگهای مانع شوک اقتصادی ایران خواهد شد.

نتیجه‌گیری

سازمان همکاری‌های شنگهای از جمله نهادهای منطقه‌ای است که برای تمامی کشورهای درون منطقه‌ای منفعت سیاسی و اقتصادی داشته است. هر چند میزان منافع حاصله برای تمامی اعضا برابر نبوده است و اهداف اعضا متفاوت بوده است ولی فایده بخشی این سازمان در ابعاد مختلف باعث شده است که کشورهای مختلفی از بلاروس و هندوستان گرفته تا ایالات متحده خواستار الحاق به آن باشند. فلسفه ایجاد و عملکرد ده ساله آن نشان داده است که این سازمان تاکنون بیشتر معطوف به مسائل سیاسی و امنیتی بوده است؛ ولی توافقات صورت گرفته طی سال‌های ۲۰۰۳ تا کنون (۲۰۰۷) تسری کارکردی این نهاد را از امور سیاسی به امور اقتصادی نشان می‌دهد. با این حال، سازمان شنگهای فاقد راهبرد تجاری درازمدت است و اقدامات صورت گرفته در زمینه همکاری تجاری با توجه به اندازه جغرافیایی و جمعیت آن فاصله دارد. مهم‌ترین مزیت نسبی کشورهای سازمان شنگهای تولید و مصرف انرژی و ترانزیت کالا و انرژی است که همه اعضا اعم از اصلی و ناظر از آن منتفع می‌شوند. از جهت اقتصادی، عضویت ایران در سازمان شنگهای پتانسیل‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران را تا حدودی بالفعل کرده و عمق سیاسی و اقتصادی ایران را در روابط بین‌الملل تعمیق می‌بخشد. بنابراین تصمیم‌سازان نباید از هیچ تلاشی برای عضویت دائم ایران در این نهاد مضایقه نمایند. با توجه به فرآیند جهانی شدن اقتصاد و بی‌فایده بودن سیاست انزواگرایی، رمز بقای اقتصادی دولت‌ها سرمایه‌گذاری روی مزیت‌های نسبی اقتصاد است که سازمان شنگهای

ویژه برای بازارهای وسیع و در حال گسترش جنوب شرق آسیا مثل چین و ژاپن.

ایران یکی از مهم ترین مسیرها برای رساندن نفت کشورهای حاشیه دریای خزر به بازارهای آسیا است و این در شرایطی است که حداقل تا ۲۵ سال آینده بخش عمده افزایش تقاضا برای نفت خام در آسیا صورت می گیرد.

تولیدکنندگان نفت در دریای خزر چنانچه بخواهند بازار قابل اطمینانی در آینده داشته باشند، نباید بازار رو به رشد شرق را فراموش کنند و یکی از مسیرهایی که می توانند این امر را تسهیل کنند، ایران است. در حال حاضر بخشی از نفت کشورهای حاشیه دریای خزر از طریق "سوپ" یا معاوضه از ایران به مناطق دیگر از جمله بازارهای شرق انتقال داده می شود. میانگین سالانه سوپ نفت خام در حال حاضر روزانه ۷۰ هزار بشکه است و کشورهایی مانند ترکمنستان، قزاقستان و تاجیکستان هم روسیه به ویژه در فصل سرما که عبور کشتی ها از تنگه بسفر در دریای سیاه با مشکلاتی همراه است، ترجیح می دهند نفت خود را در شمال و دریای خزر به ایران بدهند و معوض آن را در جنوب به مشتریان خود تحویل دهند. احداث خط لوله باکو-تفلیس-جیهان که نفت خام سه کشور آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان را به غرب انتقال می دهد در شرایطی همانند امروز که بهای نفت سبک و شیرین بالا است می تواند توجیه پذیر باشد. چنانچه قیمت نفت خام کاهش یابد و اختلاط نفت خام های بسیار سبک و شیرین با نفت خام های سنگین باعث شود که انتقال این نفت خام ها به آسیا از لحاظ اقتصادی بیشتر مقرون به صرفه باشد، به نظر می رسد که این خطوط لوله در ظرفیت بسیار کمی عملیاتی خواهند بود و ظرفیت بسیار زیادی از آن خالی می ماند. در شرایط کنونی نیز نفت خام سنگین در بازار شرق وضعیت مطلوب تری دارد و دلایل اقتصادی ایجاب می کند که این نوع نفت خام ها به این سمت انتقال داده شود؛ در این صورت می تواند از امکانات پالایشگاهی مناسب تری نیز برای پالایش این گونه نفت خام ها که دارای گوگرد بالا هستند، برخوردار باشد. همچنین فاصله زمانی بازارهای شرق برای رسیدن نفت خام نزدیک تر است. طبق نظر کارشناسانی که در زمینه قراردادهای امضا شده برای احداث خط لوله باکو-جیحان اطلاعات دقیقی دارند، هزینه های این طرح رقم بسیار بالایی را تشکیل می دهد که بخشی از این هزینه ها، تحمیلی و سیاسی است که برخی از کشورهای خارج از منطقه با ایجاد هراس در مورد انتقال نفت از ایران بر طرف های قرارداد تحمیل کرده اند. بنابراین عضویت کامل در سازمان شانگهای مزایای ترانزیت انرژی ایران را بیشتر برجسته می سازد. (۴۳)

۶- چالش های تجاری عضویت ایران در سازمان شانگهای

نمی توان پنداشت که عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای سراسر فایده و فرصت باشد. این عضویت می تواند با محدودیت ها، چالش ها و موانعی روبه رو باشد. با این حال لازم به ذکر است که این محدودیت ها در مقایسه با فرصت هایی که نصیب ایران می شود، ناچیز بوده و چندان قابل ملاحظه نیست. مهم ترین چالش های تجاری که از عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای حاصل می شود می توان به شرح زیر ارزیابی نمود:

۶-۱- استفاده ابزاری از ایران

این امکان وجود دارد که برای دو کشور چین و روسیه، جمهوری اسلامی ایران یک ابزار تاکتیکی و نه یک هم پیمان استراتژیک، تلقی شود. ورود ایران به سازمان مذکور می تواند امکان بهره گیری تاکتیکی از کشورمان را توسط این دو کشور فراهم می سازد. (۴۴) هر دو کشور روسیه و چین، آمریکا را شریک تجاری خود محسوب کرده و در بعد اقتصادی به آن وابستگی دارند. حجم مبادلات چین و آمریکا در سال ۲۰۰۶ به ۳۴۳ میلیارد دلار رسید و فقط چین ۲۰۰ میلیارد دلار کالای ارزان به آمریکا صادر کرد و ۸۰ درصد از مبادله تجاری دو کشور، سهم صادرات چین به آمریکا می باشد. تنها یک چهارم از کل کسری تجاری آمریکا (تفاوت ارزش دلاری صادرات و واردات) ناشی از عدم توازن تجاری ۱۶۲ میلیارد دلاری این کشور با چین می باشد. (۴۵) روسیه سالانه ۵۰ میلیون تن نفت خام به آمریکا صادر می کند. در سال ۲۰۰۶ میلادی سطح مبادلات روسیه و آمریکا با رشدی ۳۷ درصدی به مبلغ ۲۵ میلیارد دلار رسید که از این مقدار بیش از ۲۰ میلیارد سهم صادرات روسیه به آمریکا بوده است. هرچند این رقم در مقایسه با مبادلات چین و آمریکا چندان بزرگ به نظر نمی رسد، اما تمایل روسیه به گسترش مبادلات خود با آمریکا به روشنی از طرف مقامات روسیه از جمله پوتین ابراز شده است. (۴۶) علاوه بر این، احتمال دارد که روسیه و چین علاقه ای برای گشوده شدن مسیر ایران به روی آسیای مرکزی نداشته باشند؛ چرا که در این صورت از اهمیت مسیر آن ها کاسته و امکان مبادلاتشان با آسیای مرکزی را محدودتر می نماید.

۶-۲- ضعف تکنولوژیک اعضای این سازمان

از جهت سطح فناوری، چین و روسیه در مقایسه با سایر اعضا موقعیت ممتازی دارند؛ ولی در مقایسه با کشورهای آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس و ژاپن در موقعیت پایین تری قرار دارند. با این وصف این نکته نباید فراموش شود که در دنیای تجاری امروز در باره کیفیت کالا دو تفکر ظاهر شده است: تفکر ژاپنی، تفکر چینی. اگر به تاریخ تجاری دنیا نگاهی از منظر کیفیت انداخته شود، یک تغییر نگرش جالب مشاهده می شود. در ابتدا و پیش از انقلاب صنعتی و آغاز عصر جدید "کیفیت" نه تنها چیز گرانی بود بلکه فقط مخصوص طبقه اشراف و ممتاز جامعه بود. در قرن های بعد، کیفیت تبدیل شد به یک عامل رقابتی، تولید کنندگان سعی می کردند کالای بهتری تولید کنند تا سهم بیشتری از بازار داشته باشند و به تدریج این باعث شد که همه اقشار جامعه بتوانند به کالای خوب دسترسی پیدا کنند. ژاپنی ها از این اصل استفاده کردند و محصولات با کیفیت و در عین حال با قیمت مناسب تولید کردند که در بازار جهانی مشتریان خوبی پیدا کردند و همین شد که ژاپن هم به جرگه کشورهای ثروتمند و قدرتمند در آمد. به مرور این تفکر تغییر کرد. با افزایش گرایش انسان ها به خرید کالا و تبدیل شدن جوامع به جوامع مصرفی، به کیفیت محصول کمتر بها داده می شود. مشتریان دوست دارند زودتر کالای مدل جدید تری بخرند تا اینکه یک کالای قدیمی را که هنوز کارایی دارد استفاده کنند. از این جهت تفکر چینی برنده است. هدف تولید کالای ارزان، در عین حال متنوع اما با کیفیت نازل تر است. این یکی از دلایل رشد اقتصادی چین محسوب می شود.

به رغم تغییر نگرشی فوق، چینی ها نشان دادند که در اقتباس فناوری های نو و مهندسی معکوس بسیار باهوش هستند و به یمن

۳۳. روزنامه همشهری (۹ مهر ۱۳۸۲)، مقاله‌ای تحت عنوان "راه طولانی"، در:
<http://old.did.ir/catalog/index.fa.asp?cn=rp00020032710490111&query>
۳۴. امیر احمدیان، پیشین.
۳۵. رحمان، خالد، پیشین.
۳۶. خبرگزاری ریانووستی روسیه:
<http://pe.rian.ru/articles/analitic/20060621/49839028.html>
۳۷. ر. ک. به: روزنامه همشهری (مهر)، مقاله‌ای تحت عنوان "راه طولانی"، در:
<http://old.did.ir/document/index.fa.asp?cn=rp00020032710490111>
۳۸. همشهری آنلاین ۲۰ خرداد ۱۳۸۶، در:
<http://www.hamshahronline.ir/News/id=19902>
۳۹. واشنگتن پریزم (۳۱ تیر ۱۳۸۴)، "نگرش واشنگتن به روابط تهران و پکن"، در:
<http://www.washingtonprism.org/showarticle.cfm?id=83>
۴۰. خبرگزاری مهر، مورخ ۱۳۸۵/۶/۷، در:
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=373161>
- همچنین ر. ک. به خبر مورخ ۲۴ آذر ۱۳۸۴ تحت عنوان: "مذاکرات ایران و چین بر سر قرارداد صد میلیارد دلاری انرژی" در سایت آفتاب:
http://www.aftab.ir/news/2005/dec/19/c2c1134987113_economy_marketing_business_oil.php
۴۱. امیدوارنیا، محمدجواد (۳۰ خرداد ۱۳۸۳)، "راهبرد آمریکا در سرزمین‌های میانی اوراسیا: نگاه چین"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، در:
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020045308471611>
۴۲. ر. ک. به:
 Associated Press (Feb 17, 2006), "Reports: China, Iran near huge oil field deal", at:
<http://www.msnbc.msn.com/id/11404589>
۴۳. مصاحبه آقای غنیمی فرد با خبرگزاری ایستا (۱۷ خرداد ۱۳۸۵)، در:
<http://naftnews.blogfa.com/post-419.aspx>
۴۴. طالبی فر، پیشین، ص ۱۸۵.
۴۵. ر. ک. به:
 مرکز آمار آمریکا، "تراز تجاری آمریکا-چین در سال ۲۰۰۶"، در:
<http://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>
- مولوی، افشین (۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۴)، "آمریکا شیفته چین"، واشنگتن پریزم، در:
<http://www.washingtonprism.org/showarticle.cfm?id=30>
۴۶. مرکز آمار آمریکا، "تراز تجاری آمریکا-روسیه در سال ۲۰۰۶"، در:
<http://www.census.gov/foreign-trade/balance/c4621.html>
۴۷. ر. ک. واحد، علی (۲۵ دسامبر ۲۰۰۶)، "گفتاری در باره کیفیت کالاهای چینی و ابعاد تجاری آن"، در:
http://weblog.radmanitd.com/archives/cat_uuuoeoeu_uoeu_oeeoeoeoe.html
۴۸. سازمان خبری اقتصاد ایران (۱۸ فروردین ۱۳۸۶)، "سیاست‌های روسیه امنیت انرژی اروپا را با تهدید جدی روبه‌رو کرده است"، در:
http://www.econews.ir/main1.asp?a_id=19401
- <http://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>
۲۰. بیستونی، آرام (۱۳۸۵)، "ناتو و ازبکستان؛ امیدها به بهبود روابط"، در
 WWW.IRAS.IR
۲۱. ر. ک. به دایره‌المعارف اینترنتی ویکیپدیا (انگلیسی):
<http://en.wikipedia.org/wiki/ShanghaiCo-operationOrganisation>
- همچنین خبرگزاری مهر، مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۴، در:
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspxNewsID=339310>
۲۲. ر. ک. به:
 Bridges, weekly trade News digest, Vol.7, No32
 (1 October 2003), at: <http://www.ictsd.org/weekly/03-10-01/story3.htm>.
۲۳. نورلینگ، پیشین.
۲۴. ر. ک. به:
 Blagov, Sergei (October 31, 2005), "Shanghai Cooperation Organization Eyes Economic, Security Cooperation", Eurasia Daily Monitor, at:
<http://www.jamestown.org/edm/article.phparticleid=2370411>
۲۵. مصاحبه مهدی سنایی، رئیس گروه مطالعات روسیه دانشگاه تهران، با آفتاب نیوز، مورخ ۲۴ خرداد ۱۳۸۵، در:
<http://www.aftabnews.ir/vdcgn79ak39ut.html>
۲۶. ملکی، عباس (۱۲ اسفند ۱۳۸۵)، "سند چشم‌انداز و روابط خارجی ایران"، ارائه شده به همایش چشم‌انداز: ظرفیت‌ها و بایستگی‌ها، مجمع تشخیص مصلحت نظام، در:
www.caspianstudies.com/Foreignpolicy/my%20new%20article/persian%20article/north%20nighbour.doc
۲۷. "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران"، مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۵، در:
<http://iccim.com/persian/RDefault.aspxnid=17&did=2436>
۲۸. مصاحبه با رییس اتاق ایران و چین، "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران"، مورخ ۱۳۸۶/۳/۱۰، در:
<http://www.iccim.org/persian/RDefault.aspx?nid=17&did=2926>
۲۹. ر. ک. به:
 عدالتیان، جمشید و معینی جزنی، رضا (۲۰ خرداد ۱۳۸۶)، "نقش کریدورهای بین‌المللی در حمل و نقل"، پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت آبادگران جوان ایران اسلامی، در:
<http://www.abadgaranejavan.com/news.asp?news=431>
- امیدی، محمداحسان، "گزارش اختصاصی خانه ملت از ضرورت توسعه شبکه ترانزیت کشور"، روزنامه الکترونیکی خانه ملت، مورخ ۳ تیر ۱۳۸۵، در:
http://mellat.majlis.ir/EXCLUSIVE%20REPORTS/TOSE_EH-YE-TERANZIT.HTM
۳۰. امیر احمدیان، بهرام (۳۱ خرداد ۱۳۸۲)، "کریدور شمال-جنوب و اهمیت آن در همگرایی منطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، در:
<http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020030311230611>
۳۱. عدالتیان و معینی جزنی، پیشین.
۳۲. همان و همچنین ر. ک. به سنایی، پیشین.

۴. ر. ک. به: Baldwin, David, ed., Neoralism and Neoliberalism: The Contemporary Debate, New York: Columbia University Press, 1993.

۵. ر. ک. به: Keohane, Robert, International Institutions and State Power: Essays in International Relations Theory, New York: Boulder, Colo, 2002.

۶. ر. ک. به: Axelrod, Robert and Keohane, Robert, "Achieving Cooperation under Anarchy: Strategies and Institutions", World Politics, Vol. 38, No. 1 (October 1985).

۷. مقدم، فرشته، "راهبرد سیاسی-اقتصادی اوراسیا و نقش سازمان همکاری شانگهای"، روزنامه اطلاعات، ۹ بهمن ۱۳۸۴.

۸. ر. ک. به اخبار بی بی سی (۵ مه ۲۰۰۶)، در: http://www.bbc.co.uk/persian/news/story/2006/05/060505_si-cheney-russia.shtml

۹. طالبی فر، عباس و قاضی زاده، شهرام، "سازمان همکاری شانگهای و عضویت جمهوری اسلامی ایران در آن"، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۱، ص ۱۹۹، ۱۳۸۲.

۱۰. میرقاسمف، بختیار، "اولویت‌های سیاست خارجی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، (۳۰ آذر ۱۳۸۵) از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp0002007000445181>

۱۱. قدسی، امیر (۴ اسفند ۱۳۸۴)، "اراده هم‌ژمونیک ایالات متحده آمریکا در چالش با رقبای آسیایی"، ویژه نامه همشهری دیپلماتیک.

۱۲. رحمان، خالد (آذر ۱۳۸۵)، "سازمان همکاری شانگهای: چشم‌اندازها و فرصت‌ها"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، در: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020073204311815>

۱۳. نائب سعید، "گسترش ناتو به شرق؛ سناریوهای محتمل"، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۲، ص ۵۱۰، ۱۳۸۱.

۱۴. ترابی، طاهره، "نئولیبرالیسم نهادگرا"، ویژه نامه همشهری دیپلماتیک، ۹ بهمن ۱۳۸۴.

۱۵. قادریایف، محمد (۱۳۸۵)، "خلقهای ایرانی زبان منطقه کیانگ اویغور"، در [WWW.IRAS.IR: تاریخ ارسال: ۱۱ شهریور ۱۳۸۵].

۱۶. ر. ک. به بخش آرشیو اسناد منتشره از سوی "سازمان همکاری شانگهای" در وب سایت این سازمان:

<http://www.sectsc.org/html/00026.html>

۱۷. نورلینگ، نیکلاس (۳۰ آذر ۱۳۸۵)، "تجارت و سازمان همکاری شانگهای"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، از: <http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=pp00020073204311815>

۱۸. همان.

۱۹. مرکز آمار آمریکا، "تراز تجاری آمریکا-چین در سال ۲۰۰۶"، در:

در بالفعل سازی مزیت‌های نسبی ایران می‌تواند مؤثر باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که ایران با عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای، امنیت اقتصادی خود را با امنیت کشورهای منطقه پیوند بزند. همچنین برای تسهیل عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای لازم است که جمهوری اسلامی ایران سطح مبادلات خود را با کشورهای عضو سازمان بالا ببرد. مجموع مبادلات ایران با چین در سال ۱۳۸۵، رقمی در حدود ۱۴ میلیارد دلار و با روسیه (در سال ۱۳۸۴) دو میلیارد دلار بوده است که این ارقام می‌بایست به سطح بالاتری برسد. لازم به ذکر است که کشور چین تنها در سال ۲۰۰۶ میلادی، حدود ۲۸۸ میلیارد دلار به آمریکا صادرات داشته است. همچنین لازم است که ایران با تقویت بسترهای همکاری از جمله در ترانزیت کالا و انرژی، امتیازات لجستیکی خود در کمک به کشورهای عضو شانگهای را ثابت نماید. در این صورت کشورهای عضو این سازمان منافع خود را با منافع ایران مرتبط دانسته و از عضویت ایران استقبال مؤثرتری خواهند نمود. همچنین، جهت اعتماد سازی هر چه بیشتر، لازم است که ایران همچون گذشته مخالفت خود را با طالبانیزم و اسلامگرایی رادیکال ابراز دارد؛ چرا که کشورهای آسیای مرکزی همواره خود را در معرض تهدید این گروه‌های تندرو دیده‌اند و از گسترش این حرکت‌های افراطی در درون مرزهای خود هراس دارند؛ زیرا در دنیای امروز حوزه سیاست بر اقتصاد و بالعکس تأثیر متقابل می‌گذارد.

تمایل به سمت ترتیبات شرقی همچون عضویت در سازمان همکاری شانگهای، نباید به منزله جایگزینی برای برقراری روابط مناسب با کشورهای غربی محسوب شود. این سیاست تنها می‌تواند به صورت مکملی برای روابط خارجی ایران و راهکاری برای تعدیل روابط موجود بین ایران و غرب محسوب گردد؛ در این صورت قدرت چانه زنی ایران در محیط بین‌المللی بیشتر شده و امکانات تصمیم‌گیری برای کشور متنوع‌تر می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر. ک. به بخش تاریخچه تشکیل "سازمان همکاری شانگهای" در وب سایت انگلیسی این سازمان، در: <http://www.sectsc.org/html/00026.html>

۲. همان.

۳. دهقانی فیروز آبادی جلال (۳۰ شهریور ۱۳۸۳)، "تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل"، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، در: <http://www.did.ir/document/index.fa.aspcn=>

جمعیت کشورهای عضو ECO - سال ۲۰۰۵

کشور	ازبکستان	آذربایجان	افغانستان	پاکستان	تاجیکستان	ترکیه	ترکمنستان	قزاقستان	قرقیزستان	ایران	ECO	جهان
جمعیت (میلیون نفر)	۲۶,۲	۸,۴	...	۱۵۵,۸	۶,۵	۷۲,۱	۴,۸	۱۵,۱	۵,۱	۶۸,۳	۳۶۲,۳	۶۴۳۷,۷
رشد جمعیت (درصد)	۱,۲	۱,۰	...	۲,۴	۱,۲	۱,۳	۱,۴	۰,۹	۱,۰	۱,۴	-	۱,۲

ساخته: world bank

۲-۲- توسعه انسانی (۴)

شاخص توسعه انسانی برای اعضای سازمان حاکی از آن است که هیچ یک از کشورهای عضو در سطح توسعه انسانی بالا (عدد شاخص بالاتر از ۰/۸) قرار ندارند و به جز افغانستان که به سطح توسعه انسانی پایین تعلق دارد (عدد شاخص کمتر از ۰/۵)، سایر کشورها در سطح توسعه انسانی میانه می باشند (عدد شاخص بین ۰/۵ تا ۰/۸).

در بین کشورهای عضو، کشور قزاقستان با کسب رتبه ۷۳ بالاترین رتبه و پاکستان با کسب رتبه ۱۳۶ پایین ترین رتبه را به خود اختصاص داده اند.

پراکنده بوده و مطابق آمار در سال ۲۰۰۵، با دارا بودن جمعیتی بالغ بر ۳۶۲ میلیون نفر^(۳)، حدود ۵/۶ درصد از جمعیت جهان را در خود جا داده است. در میان اعضا، سه کشور پاکستان، ترکیه و ایران بیش از ۸۱/۸ درصد از کل جمعیت این سازمان را به خود اختصاص داده اند. پاکستان با ۱۵۵/۸ میلیون نفر بالاترین جمعیت و ترکمنستان با ۴/۸ میلیون نفر کمترین جمعیت را دارا می باشد. در سال ۲۰۰۵ از بین کشورهای عضو، پاکستان با ۲/۴ درصد بیشترین رشد و قزاقستان با ۰/۹ درصد کمترین رشد جمعیت را دارا می باشد.

شاخص توسعه انسانی کشورهای عضو ECO - سال های ۲۰۰۵ - ۲۰۰۰

کشور	جهان	ازبکستان	آذربایجان	افغانستان**	پاکستان	تاجیکستان	ترکیه	ترکمنستان	قزاقستان	قرقیزستان	ایران
۲۰۰۰	۰,۷۲۲	۰,۶۵۵	۰,۷۴۴	...	۰,۷۲۳
۲۰۰۱	۰,۷۲۲	۰,۷۲۹	۰,۷۴۴	...	۰,۴۹۹	۰,۶۷۷	۰,۷۳۴	۰,۷۴۸	۰,۷۶۵	۰,۷۲۷	۰,۷۱۹
۲۰۰۲	۰,۷۲۹	۰,۷۰۹	۰,۷۴۶	...	۰,۴۹۷	۰,۶۷۱	۰,۷۵۱	۰,۷۵۲	۰,۷۶۶	۰,۷۰۱	۰,۷۳۲
۲۰۰۳	۰,۷۴۱	۰,۶۹۴	۰,۷۲۹	...	۰,۵۲۷	۰,۶۵۲	۰,۷۵	۰,۷۳۸	۰,۷۶۱	۰,۷۰۲	۰,۷۳۴
۲۰۰۴	۰,۷۴۱	۰,۶۹۶	۰,۷۳۶	...	۰,۵۳۹	۰,۶۵۲	۰,۷۵۷	۰,۷۲۴	۰,۷۷۴	۰,۷۰۵	۰,۷۴۴
۲۰۰۵	۰,۷۴۳	۰,۷۰۲	۰,۷۴۶	...	۰,۵۵۱	۰,۶۷۳	۰,۷۷۵	۰,۷۱۳	۰,۷۹۴	۰,۶۹۶	۰,۷۵۹
رتبه*	-	۱۱۳	۹۸	...	۱۳۶	۱۲۲	۸۴	۱۰۹	۷۳	۱۱۶	۹۴

ماخذ: human development report, ۲۰۰۶/۲۰۰۷

*رتبه کشورها از بین ۱۷۷ کشور و مربوط به سال ۲۰۰۵ می باشد.

شاخص توسعه انسانی کشورهای عضو ECO - سال ۲۰۰۵

